

## ویژگی های زبان تورکی و مقایسه کوتاه بین تورکی و فارسی

متأسفانه در دوران پهلوی، به پیروی از افکار ملی گرایانه افراطی و شوونیستی بیش از نیم قرن در این باب سیاست جبر و تحمیل اعمال شد و از چاپ و انتشار هر گونه کتاب تورکی جلوگیری به عمل آمد و زبان فارسی هم بصورت زبان انحصاری دولتی و تحمیلی در آمد! در نتیجه این سوء تدبیر و انحصار طلبی و سیاست زور گویی، زبانهای غیر فارسی مردم ایران، بویژه تورکی رسماً ممنوع شد. البته اینگونه رویه و اعمال غیر انسانی و ضد مردمی بدون واکنش نماند و در مردمی که زبانشان ممنوع اعلام شده بود عکس العمل هایی نا مطبوع و گاهی کینه و نفرت برانگیخت و خواه و نا خواه از شیرینی لهجه فارسی هم در مذاق آنها کاسته شد!؟

بعد از سقوط رژیم پهلوی و رفع ممنوعیت دولتی در مدت کوتاهی کتاب و مجله و روزنامه به زبان تورکی چاپ و منتشر شد و دیوانهای شعرای تورکی گو قدیم و جدید تجدید چاپ گردید و زبان تورکی مجدداً ولو بطور نسبی فرصت و میدان هنرنمایی یافت.

در حال حاضر 25 لهجه یا زبان تورکی در مناطق مختلف شوروی سابق، ترکستان شرقی (چین)، ترکیه و بالکان زبان رسمی مردم است و در حدود 20 لهجه یا زبان تورکی دارای کتابت و ادبیات کتبی است.

ادبیات شفاهی تورک ها بسیار غنی است و در هر منطقه ضمن ویژگی های عمومی و قدیمی خصوصیات محلی را نیز در بردارد. ادبیات شفاهی تورک زبانان ایران شاید غنی ترین و یا یکی از غنی ترین آنها در نوع خود میباشد.

کتاب ده ده قورقود که داستانهای اقوام اوغوز را بازگو میکند، یکی از قدیمی ترین آثار ادبیات شفاهی است و بطوریکه اغلب دانشمندان معتقدند، همچنانکه از متن کتاب هم بر می آید مهمترین وقایع تاریخی این داستانها در آذربایجان و در قسمت شرقی آناتولی رخ داده و در آن از قهرمانی ها و ویژگی های قومی و قبیله ای مردم این سرزمین سخن رفته است.

طبق آمارهای اخیر در دنیا **شش هزار** زبان موجود است که نیمی از آنها کمتر از ده هزار و یک چهارم آنها کمتر از یک هزار گویشور دارند و تنها 20 زبان هستند که صدها میلیون نفر بدانها سخن می گویند. زبان شناسان معتقدند که **یک زبان به شرطی می تواند زنده بماند که حداقل یک صد هزار نفر گویشور داشته باشد** بنابراین بیش از نیمی از زبانهای حاضر در حال نابودی هستند.

**اینترنت**، حکومتهای ملی در گزینش و تحکیم زبانهای ملی و تضعیف دیگر زبانها نقش مهمی دارند. پیشرفت علمی و صنعتی شدن و روشهای ارتباطی نوین نیز به نابودی زبانها کمک می کند. **زبانی که در اینترنت نباشد زبانی است که در دنیای نوین دیگر وجود ندارد**، این زبان مورد استفاده قرار نمی گیرد و در تجارت هم بکار نمی رود.

در حال حاضر هر سال ده زبان از بین می رود، افق آینده نیز تیره تر به نظر میرسد. برخی چنین پیش بینی کرده اند که 50 تا 90 درصد زبانهای فعلی در این قرن از بین می روند و بدین سبب حفظ آنها امری ضروری به شمار میرود.

مسئله زبان در قرن 21 ام دو سؤال را مطرح میسازد. از یکسو زبانهای ملی یا پر گویشور چگونه در برابر پیشتازی زبان انگلیسی مقابله کنند؟ از سوی دیگر، زبانهای فرعی یا محلی چگونه می توانند از خطر نابودی نجات یابند و در جهت توسعه پیش بروند؟

**برای حمایت از زبانهای محلی و جلوگیری از نابودی آنها در 10-12 سال اخیر مقامات بین المللی تصمیماتی اتخاذ و قطعنامه هایی صادر کرده اند . از جمله:**

در 18 دسامبر 1992 مجمع عمومی سازمان بین الملل متحد بیانیه مربوط به حقوق اشخاص متعلق به اقلیت های قومی یا ملی، مذهبی و زبانی را به تصویب رساند. این بیانیه کشورهای را موظف کرد تا از موجودیت و هویت اقلیتها در داخل مرزهایشان حمایت کنند. از میان حقوق پیش بینی شده برای اشخاص متعلق به اقلیتها عبارتند از: حقوق برخورداری از فرهنگ خاص خودشان / حق استفاده از زبانشان / اجازه شرکت مؤثر در فعالیت های فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و زندگی عمومی و نیز در تصمیم گیریهای مربوط به اقلیتی که به آن متعلق هستند / اجازه تاسیس و اداره موسسات مربوط به خودشان، حق ایجاد ارتباط صلح جویانه و خالی از تبعیض با اعضای گروه خودشان یا دیگر اتباع کشورهای دیگری که با آنها پیوندهای مشترک قومی ، مذهبی و زبانی دارند. این

نخستین سند قابل قبول جهانی و جامع مربوط به حقوق اشخاص وابسته به اقلیتهاست و از همین رو بر نحوه اجرا و تصویب قوانین ملی کشورها تأثیر خواهد گذاشت.

شبهات و خویشاوندی زبانها از دو نظر بررسی میشود:

1- منشأ زبانها

2- ساختمان و شکل خارجی زبانها(مورفولوژی)

**زبان تورکی** از نظر منشأ جزو زبانهای اورال-آلتای و یا به بیان صحیحتر، از گروه زبان های آلتائی است.

زبانهای اورال-آلتای به مجموعه زبانهایی گفته میشود که مردمان متکلم به آن زبانها از منطقه بین کوه های اورال-آلتای(در شمال ترکستان)برخاسته و هر گروه در زمانهای مختلف به نقاط مختلف مهاجرت نموده اند.

این گروه زبانها شامل زبانهای فنلاند، مجارستان(اورالیک)و زبانهای تورکی، مغولی، منچو و تونقوز(زبانهای آلتائیک)میباشد.

از نظر ساختمان و مورفولوژی زبانها به سه دسته تقسیم میشوند:

**1- زبانهای تک هجائی ویا تجریدی** :مانند زبان چین جنوب شرقی آسیا.در این زبانها کلمات صرف نمی شوند و پسوند و پیشوند نمی گیرند و تغییر نمی کنند.گرامر منحصر به نحو و ترکیب و ترتیب کلمات است که معانی کلمات را تغییر میدهد.در این زبانها آکان یا استرس(تاکید یا وورغو)،تن صدا و انتو ناسیون یا آهنگ ادای کلمات و جمله بسیار مهم است و معنا را مشخص میکند.در زبان چین تعداد کمی از واژه ها تک هجایی هستند.

**2- زبانهای تحلیلی یا صرفی** : در این زبانها ریشه کلمات هم ضمن صرف تغییر می نماید مانند:گفتن - می گویم .زبانهای هند و اروپائی و از آن جمله زبان فارسی جزو این گروه می باشند.

**3- زبانهای التصاقی یا پسوندی** : در این زبانها کلمات جدید و صرف افعال از چسباندن پسوندهای مخصوص به ریشه کلمات ایجاد میشود و این مسئله سبب پیدایش لغات جدید و غنای لغوی می گردد.در این زبانها ریشه ثابت و در موقع صرف تغییر نمی یابد.پسوندها تابه آهنگ ریشه بوده و به آسانی از آنها قابل تشخیص اند. زبان تورکی و گروه زبانهای اورال-آلتائی جزو این دسته می باشند.

در زبانهای هند و اروپائی از جمله فارسی پیشوندهای جر(ادات)یا حروف اضافه وجود دارد. در صورتی که در تورکی پیشوند وجود ندارد. مثلا در برابر کلمه ی **انترناسیونال** (فرانسه)و بین الملل(عربی)،**در تورکی میلتلر آراسی و یا اولوسلار آراسی** گفته میشود.یعنی به جای پیشوند ، پسوند بکار میرود،چون در تورکی کلمات از آخر تکامل و توسعه پیدا می کنند.

در زبانهای هند و اروپائی عنصر اصلی(مبتدا و خبر)در ابتدا قرار می گیرد و عناصر بعدی با ادات ربط به شکل حلقه های زنجیر به یکدیگر مربوط میشوند و اگر عناصر بعدی قطع شوند ساختمان جمله ناقص نمی شود . ولی در تورکی ترتیب عناصر کاملاً بر عکس است . یعنی ابتدا باید عناصر ثانوی و فرعی تنظیم و گفته شود،عناصر اصلی، یا فعل هم در آخر قرار می گیرد .**مثال در فارسی** = من به شیراز رفتم تا دوستم را ببینم که اخیراً از فرانسه آمده و در آنجا شش سال طب خوانده است .

حال همین مثال در تورکی = **آلتی ایل صب اوخویاندان سونرا فرانسادان یینی قاپیدان دوستومو گورومک اوچون شیرازا گنتدیم.**

جی، ال، لویس در دستور خود اجزای جمله تورکی را به ترتیب زیر می شمارد:

1-فاعل-2-قید زمان 3- قید مکان 4-مفعول غیر صریح-5-مفعول صریح-6-قید و هر کلمه ای که معنی فعل را تغییر دهد-7-فعل.

هر چیز معین بر غیر معین مقدم است، یعنی اگر مفعول صریح معین باشد بر مفعول غیر صریح غیر معین مقدم میشود. مثال جمله مرتب تورکی چنین است:

**نقاش گنچن گون موزده گلن لره تابلولارینی اوزو گوستریدی** یعنی نقاش روز گذشته در موزه تابلوهای خود را به تماشاچیان خودش نشان داد.

بعلاوه هر عنصری از جمله که به آن بیشتر اهمیت داده شود نزدیک فعل قرار می گیرد.

در صورتی که جمله با فعل ختم نشود جمله معکوس گفته میشود که در محاوره، شعر و سبکهای خاص به کار میرود.

**هماهنگی اصوات:** یکی از بارزترین ویژگی های تورکی هماهنگی اصوات است. اصوات یا آواها در زبان به عنوان عناصر بسیط تشکیل دهنده کلمات دارای نقش اساسی هستند در زبان تورکی بین اصوات مختلف ریشه و پسوند هماهنگی موجود است.

هماهنگی اصوات سبب میشود که کلمات تورکی دارای آهنگ خاص بوده و تلفظ صحیح آنها اثر مطبوعی در شنونده ایجاد نماید.

حروف یا صداهای رایج تورکی 32 عددند که از آنها 9 صائت و بقیه صامت هستند.

در تورکی بر خلاف فارسی و عربی صدا دارها کوتاه اند و به همین علت شعرای تورکی گو در شعر عروضی به اجبار از کلمات فارسی یا عربی استفاده کرده و یا بعضی اوقات صداها را کشیده تلفظ می کنند. وزن عروضی بر خلاف وزن هجایی برای شعر تورکی مناسب نبوده و در شعر معاصر جای سابق خود را از دست داده است. شعر تورکی قبل از پذیرفتن اسلام با وزن هجایی سروده شده و "قوشوق" یا "قوشقی" نامیده میشد. بعد از آنکه بر اثر مهاجرتها تورکان به اعراب و فارسی زبانان نزدیک شدند وزن عروضی آن را از آن اقتباس و به مرور وزن کلاسیک شعر تورکی قرار دادند. با وجود این شعرای خلقی (اوزانها و عاشیقها) اشعار خود (بایاتی، قوشما و...) را با وزن هجائی سروده اند.

در بررسی مقایسه ای زبانها از چهار نقطه نظر تحقیق میشود:

1- از نظر جمله بندی یا نحو

2- از نظر مورفولوژی یا شکل خارجی و پسوندها

3- از نظر آوایی یا فونتیک (صداها)

**اینک درباره لغات و مخصوصاً افعال تورکی در مقایسه با لغات و افعال فارسی توضیحاتی داده میشود.**

در این باب امیر علیشیر نوائی در حدود 500 سال قبل در کتاب محاکمة اللغتين بحث قابل توجهی نموده و بعنوان مثال **یکصد لغت تورکی را که معادل آنها در فارسی نیست** مطرح نموده است، همچنین تعداد زیادی از **افعال تورکی را که فارسی ندارد** برشمرده است.

نوائی می گوید معادل این کلمات که صد تای آن بعنوان نمونه ذکر شد در فارسی وجود ندارد، بنابراین اگر بخواهیم معانی این کلمات را به فارسی زبانها بفهمانیم ناچار باید به کمک جمله هایی با کمک گرفتن از کلمات عربی متوسل شویم.

لغاتی را که نوائی در کتاب خود بعنوان مثال بکار برده کلمات تورکی جغتائی است و اغلب برای تورک زبانان ایران نا آشناست از اینجهت در این رساله به جای آنها لغات مشابه تورکی آذربایجانی بکار برده شده است.

در این رساله در حدود 1700 کلمه تورکی آذربایجانی درج شده که در فارسی کلمه مستقلی برای آنها بکار نمی رود. ضمناً بعنوان نمونه در حدود 350 کلمه تورکی نقل شده که عیناً در فارسی بکار می رود مانند: آقا، خانم، سراغ، اوغور، قاب، قاشق، قابلمه، دولمه، بیرق، سنجاق و امثال آنها.

در مقایسه دیکسیونرهای تورکی آذربایجانی تورکی ترکیه مشاهده میشود لغاتی که معادلشان در فارسی موجود نیست در دو لهجه تورکی یکی نبوده و در بیش از 30% لغات با هم متفاوتند. از طرفی از هر ریشه لغتی 1-4 کلمه ذکر شده، در صورتیکه در تورکی از یک ریشه تعداد زیادی کلمات ساخته میشود و هر کدام معنی بخصوصی دارند. ضمناً باید خلط نشان نمود که در حال حاضر 28 زبان یا لهجه مستقل تورکی وجود دارد که 20 لهجه آن دارای کتابت و ادبیات میباشند و هر کدام دارای لغات مترادف بیش از یک هزار لغت تورکی آذربایجانی میباشند. با این ترتیب معلوم میشود که **هزاران کلمه در تورکی موجود است که معادل آنها در زبان فارسی موجود نیست.**

در زبان تورکی کلماتی با اختلاف جزئی (نوانس) در معانی موجود است که در فارسی نیست. مثلاً برای انواع دردها کلمات:

آغری/ آجی/ سیزی/ یانقی/ زوقفو/ سانجی/ گۆینه مک/ گیزیلده مک اینچمک، بکار می رود که هر کدام درد بخصوص را بیان می کنند.

آغری معادل درد فارسی است (درد عضوی).

سانجی به درد کولیک احشاء تو خالی گفته میشود مانند قولنج روده،

آجی به درد پرووکه گفته میشود مانند درد در موقع کشیدن دندان.

سیزی به درد خفیف سوزش دار گفته میشود.

یانقی معادل سوزش میباشد.

زوقفو درد همراه ضریان است مانند درد آبسه و درد عقربک انگشتان و امثال آنها.

گۆینه مک شبیه سوختن است و در دقایق اول سوختگی دیده میشود.

اینچیمک در درد موقع پیچ خوردگی مفاصل و یا درد حاصل از ضربه و سقوط میباشد.

گیزیلده مک درد شبیه گزگز کردن دردناک می باشد.

در فارسی برای تمام حالات فوق لغت درد و یا سوزش بکار می رود.

در تورکی به گریه کردن آغلاماق گفته میشود. ولی این کلمه مترادفهای زیادی دارد که هر کدام حالات مختلف گریه را بیان می کند. مثلاً:

آغلامیسماق یعنی بغض کردن و به حالت گریه افتادن بدون اشک ریختن.

بؤزمک به معنی حالت گریه گرفتن کودک.

دولوخسونماق به معنی حالت گریه به خود گرفتن و متأثر شدن بزرگسال و پر شدن چشم از اشک میباشد.

آغلاشماق به معنی گریه دسته جمعی و تعزیه بکار می رود.

هؤنکورمک با صدای بلند گریه کردن و هؤککولده مک گریه با حق می باشد.

بوزلاماق با صدای بلند گریه کردن و از سرما لرزیدن می باشد.

ایچین چالماق به معنی از فرط گریه کردن گریه بدون اشک و با حق نمودن است.

کؤیرلمک به معنی حالت گریه دست دادن است.

در تورکی جغتانی اینگره مک و سینگره مک به معنی یواش یواش بطور مخفی گریه کردن و سیفتاماق به معنی زیاد گریه کردن و اوکورمک به معنی با صدای بلند گریه کردن می باشد. همچنین بیغلاماق به معنی گریه کردن و اینجگیرمک به معنی با صدای نازک گریه کردن است.

در تورکی اوسانماق به بیزار شدن و به تنگ آمدن می گویند. بیقماق، بنزیکمک، بنزمک و چیریمک هم با اختلاف جزئی همان معنی را میدهد مثلا: "چیریمک بیشتر به معنی زده شدن می باشد.

تریشمک به معنی تکان خوردن

و تریشمک به معنی تکان دادن است

ولی چالخالماق به معنی تکان دادن به منظور سوا کردن (مثلا سوا کردن کره از ماست)،

قاتیشدیرماق به معنی مخلوط کردن

و قاریشدیرماق به معنی به هم زدن با قاشق و غیره .. می باشد.

بیرقالماق به معنی تکان دادن و جنباندن

و سیلکه له مک به معنی تکان دادن درخت و یا لباس و فرش و امثال آن میا شد.

در فارسی برای هیچکدام از این تعبیرات لغات مستقل به خصوصی وجود ندارد.

ایمرنمک، قیمسانماق که با اختلاف جزئی به معنی آرزو کردن و هوس کردن و نیسگیل به معنی آرزوی برآورده نشده و حسرت می باشد، هیچکدام معادل مستقلی ندارند.

برای دعوا کردن کلمات متعددی بکار می رود که هر کدام شکل و حالت ویژه ای را از دعوا بیان می کنند مانند:

دؤیوشمک: همدیگر را کتک زدن

وؤروشماق: همدیگر را زدن

ساواشماق: با یکدیگر دعوا و جنگ کردن و گلاویز شدن

دیدیشمک: دعوا همراه چنگ زدن همدیگر

چاریشماق: دعوا و برخورد به یکدیگر، تصادم

دالاشماق: با هم دعوا لفظی کردن

دارتیشماق: با هم مشاجره کردن

چاخاشماق: با هم سر شاخ شدن

تؤوشماق: دعوا با گرفتن همدیگر

بؤغوشماق: دعوا همراه یقه ی همدیگر را گرفتن و خفه کردن

تیپشمک و تیپکلشمک: دعوا همراه لگد انداختن به هم

خیرتدکلشمک یا فیرتیلافلاشماق: دعوا همراه گلوی همدیگر را گرفتن

سؤیوشمک: همدیگر را دشنام دادن

دیرشمک: دعوا کردن، رو در روی هم ایستادن

بؤغازلاشماق: گلوی همدیگر را گرفتن، رو در روی هم قرار گرفتن، دعوا کردن

چیرپیشماق: زدو خورد

دُروشماق: مناقشه، مجادله، رو در رو شدن

سؤیورلشمک: گلاویز شدن، در هم آویختن

همچنین برای اینکه بگوئید **فلانی از در وارد شد** ، بسته به شخصیت فلانی و نحوه ی ورود و مناسب گوینده با وی کلمات زیر بکار میروند:

قاپی دان گلدی (از در آمد، بطور متعارف)

قاپی دان ایچری بویوردولار (از در تشریف فرما شدند)

قاپیدان گیردی (از در وارد شد، بطور خودمانی)

قاپی دان گنچدی (از در گذشت)

قاپی دان سؤخولدو (از در خودش را چپاند)

قاپی دان تیپلیدی (از در خودش را به زور تو کرد)

قاپی دان دوروتولدو (از در یواشکی تو آمد)

قاپی دان سؤروشودو (از در سر خود آمد تو، بمعنی مجازی)

در تورکی به مرغابی «اؤردک» گفته میشود ولی برای انواع آنها اسامی مختلف بکار میروند. مثلاً" به اردک ماده»بورچین» و به اردک نر»سونا» و همچنین «باشیل باش» گفته میشود

در تورکی برای اسب و اغلب حیوانات اهلی در هر سنی نام مخصوص وجود دارد. مثلاً"«قولون» برای اسب نوزاد، «دای» به اسب دوساله و «یولان» به اسب پنج ساله گفته میشود

برای صداهای حیوانات مختلف و عناصر طبیعت لغات ویژه ای بکار میروند مانند:

سو شیربلیتسی: صدای شرشر آب

یاریاق خیشیلتیسی: صدای خش خش برگ

اوت پیچیلدیسی: صدای افتاد باد در سبزه

گووی گورولتوسو: صدای غرش آسمان

قافلان نریلتیسی: صدای غرش پلنگ

قوش جیولتیسی: صدای جیک جیک مرغ

اینکلرین بؤیورمه سی: صدای گاوها

شلاله نین چاغلماسی: صدای ریزش آبشار

همچنین در برابر کلمه «کندن» فارسی شش کلمه تورکی موجود است که هر کدام در محل و مورد خاصی بکار می رود:

قازماق: بمعنی کندن زمین و امثال آن

یولماق: بمعنی کندن مو و کندن از ریشه

سویماق: بمعنی کندن پوست و رازهنی

اویماق: بمعنی کندن چوب و امثال آن برای منبت کاری و در آوردن چشم بکار می رود.

قوپارماق: برای کندن جزئی از چیزی

قیرتماق: برای کندن و برداشتن جزئی از چیزی و نشگون گرفتن است.

بطوریکه مشاهده میشود در فارسی به جای کلمات مستقل تقلید صداها بطور مکرر بکار می رود.

در تورکی لغات مشابه (اومونیم) یا لغاتی همانند با معانی مختلف بسیار است که در شعر و ادبیات برای جناس و ایهام بکار می رود مانند: **آت بمعنی اسب و آت بمعنی بیانداز.**

زبان تورکی از نظر لغات برای مفاهیم مجرد بسیار غنی است. افعال تورکی بطوری که خواهیم دید از نظر نوع، وجه و زمان بسیار متنوع میباشد. در نتیجه زبان تورکی برای بیان اندیشه بطور دقیق بسیار مناسب و رساست.

نا گفته نماند با آنکه لغت باعث غنای زبان است ولی غنای زبان بیشتر تابع تحرک و قابلیت لغت سازی، افاده و بیان مفاهیم جدید و غنای مفاهیم مجرد همچنین تنوع بیان قدرت بیان تفرعات و تفاوتهای جزئی (نوانس) کلام است.

با در نظر گرفتن مراتب فوق، نوائی و بسیاری از شرفشناسان معتقدند که نثر زبان تورکی برای بیان اندیشه و مفاهیم و موضوعات مختلف علمی، فلسفی، اجتماعی و ... رساتر و مناسبتر از زبانهای دیگر است.

مفاهیم و اندیشه هایی را که می توان در تورکی با یک جمله بیان نمود، جملات و شرح مفصلی را در آن زبان ایجاب می نماید.

در زبان یا همان لهجه فارسی واژه های بسیط سخت گرفتار کمبود است زیرا بیشتر آنها به مرور زمانها رها گشته و از یاد رفته است، \***واژگان زبان فارسی برای مفاهیم علمی مجهز نیست\***، و **مترجمان ایرانی بیش از همه این درد جانگناه را احساس می کنند و از این، عذاب می برند.** گاه میشود که انسان یک ساعت، یک روز و حتی یک

هفته تمام درباره بهمان تعبیر زبان خارجی می اندیشد، مغز و اعصاب خود را می فرساید و از هم می گسلد و سر انجام نیز راه به جایی نمی برد و خوانندگان هم همواره از مترجمان و ترجمه های فارسی ناخشنودی می نمایند.

**افعال:** افعال کار، حرکت و حالت را بیان می کند و عنصر اصلی جمله محسوب میشوند، بطوریکه بدون فعل، جمله نا تمام و معنی آن نا مفهوم خواهد بود.

زبانهای **اورال-آلتائی** عموماً "و زبان و زبانهای تورکی خصوصاً" از نظر افعال غنی هستند بعلاوه دارای انواع، وجوه و زمانهای متعدد و متنوع اند بطوریکه ممکن است مفاهیم و مطالبی را با یک فعل بیان نمود در حالیکه برای بیان همان مفهوم و مطلب در زبانهای دیگر نیاز به جملات مشروح و مفصل می باشد مثلاً: "**اوسانمیشام** یعنی من از او به تنگ آمده و بیزار شده ام، **خوسانلاشدیق** یعنی ما با هم بطور خصوصی درد و دل کردیم، **قوجاقلاشدیلا** یعنی همدیگر را در آغوش گرفتند و **آغلاشدیلا** یعنی با همدیگر گریه کردند، **گنچیندیریر** یعنی اعاشه را تامین می کند و...

افعال تورکی همه با قاعده اند جز فعل ناقص فراموش شده ی ایمک به معنی بودن که بجای فعل معین بکار میرود.

در خاتمه این مقاله به جا خواهد بود اگر نگاهی مقایسه آمیز هر چند گذرا به چند و چون اصطلاحات و تعبیرات فعلی در زبانهای فارسی و تورکی بیان داریم. اصطلاحات و تعبیرات فعلی که از آن در اصطلاح لغت شناسی به ترکیبات ثابت فعلی زبان نیز نام برده میشود. یکی از جالبترین و پرمایه ترین شقوق لغوی و ترکیبی زبان در ارائه معانی مجازی و تشبیهی است.

زبان فارسی که در عین حال یکی از زبانهای ترکیبی است و کلمات آن انعطاف زیادی برای تشکیل اصطلاحات و تعبیرات فعلی دارد و از وسعت و شمول زبان تورکی در ایجاد و کاربرد این نوع ترکیبات برخوردار نیست. در زبان تورکی تنها در رابطه با اعضای بدن انسانی از نوع:

باش(سر)، گوز(چشم)، آغیز(دهان)، آباق(پا) و امثال آن **صدها اصطلاح و تعبیر وجود دارد** اینک برای اینکه در این باب نموداری به دست داده باشیم به نقل تعدادی از اصطلاحات و تعبیرات فعلی رایج در زبان تورکی که از یادداشتهای آقای **م.ع. فرزانه** اقتباس شده در رابطه با کلمه دیل(زبان) بسنده می کنیم:

1- **دیل - آغیز ائله مک**(دلداری دادن، با لحن ملایم خواستار پوزش شدن، رفع رنجش و کدورت کردن).

2- **دیل آچماق:** زبان باز کردن(طفل)، درد خود را باز گفتن، التماس کردن و خواهش کردن

3- **دیل بوغازا سالماق:** وراجی کردن، پشت سر هم و بدون وقفه حرف زدن.

4- **دیل اویرتمک:** چیزهای ندانسته را یاد دادن، حرف یاد(یکی)دادن، راه و چاه نشان دادن.

5- **دیل تاپماق:** تفاهم پیدا کردن، جلب رضایت و اعتماد کردن، زبان مشترک یافتن

6- **دیل تۆکمک:** خواهش و تمنا کردن، اصرار ورزیدن

7- **دیل چیخارماق:** استهزا کردن، ادای یکی را در آوردن

8- **دیل وئرمک:** راضی شدن، قبول دادن\* دیل وئرمه مک: امکان حرف زدن به دیگری را ندادن

9- **دیلده توک بیتمک:** از تکرار و بازگویی یک مطلب خسته شدن

10- **دیلدن دوشمک:** خسته شدن، از پا درآمدن

11- **دیلدن سالماق:** خسته و درمانده کردن، از پا انداختن

12- **دیلدن دوشمه مک:** ورد زبان بودن، از یاد نرفتن، فراموش نشدن

- 13-دیده گنیرمک:یکی را به حرف وا داشتن،کاری را که در حق کسی انجام شده را به زبان راندن
- 14-دیده توتماق:با حرفهای شیرین یکی را رام کردن،بچه در حال گریه را با زبان ساکت کردن
- 15-دیده گنیرمه مک:پارای گفتن حرفی را نداشتن،حرفی را که گفتن آن ممکن است نگفتن
- 16-دیلی آغزینا سیغمامااق:خود ستائی کردن،حرفهای گنده گنده گفتن
- 17-دیلی باتماق:نطقش خاموش شدن
- 18-دیده گلکم :زبان و شکوه و شکایت گشودن،به ناله و فغان آمدن
- 19-دیلی قیسا اولماق:به خاطر داشتن قصور،جرأت حرف زدن نداشتن
- 20-دیلی دولاشماق:حرفها را اشتباه گفتن،در نتیجه اشتباه و یا دستپاچگی حرفها را قاطی کردن
- 21-دیلی دؤنمه مک:قادر به تلقظ و ادای صحیح حرف نبودن
- 22-دیلی توتولماق:توان و یارایی گفتن را از دست دادن،به هنگام سخن گفتن لکنت پیدا کردن
- 23-دیپینه وورماماق:از چشیدن چیزی امتناع کردن
- 24-دیپیندن دوشمه مک:مرتبا" تکرار کردن،بطور مدام بر زبان داندن
- 25-دیپیندن قاچیرماق:بی هوا و بی حساب از دهانش در رفتن
- 26-دیپینی باغلاماق:وادار سکوت کردن
- 27-دیپینه باغلاماق:به گردنش گذاشتن،حرف بر زبان کسی گذاردن
- 28-دیپینی بیلکم(باشا دوشمک):از حال و مقالش با خبر شدن،راز دلش را حالی شدن
- 29-دیپینی قارنینا(دینمز پیرینه)قویماق:از زیاده گویی خودداری کردن،زبان در حلق فرو بردن
- 30-دیپینی دیشه مک:حرف را نا تمام گذاشتن،در وسط حرف تأمل کردن
- 31-دیپینی کسمک:به سکوت وا داشتن،جلو حرف یکی را به زور گرفتن
- 32-دیپینی ساخلاماق:از گفتن چیز خاصی خودداری کردن،سکوت را ترجیح دادن
- 33-دیپینی ساخلاماق:در گفتن بی پروائی نشان دادن،حرف زیادی و بی موقع زدن
- 34-دیپلر ازبری اولماق:به دلیل خوشنامی و به زبانها افتادن،ذکر خیر داشتن
- 35-دیپلرده گرمک(دولاشماق):همچون امثال در زبانها گشتن.
- 36-دیپلره دوشمک:ورد زبان خاص و عام شدن،سر زبانها افتادن،شایع شدن.

نتیجه :

زبان تورکی یکی از با قاعده ترین زبانهاست و از نظر لغات،مخصوصا " افعال بسیار غنی است.وجود قانون هم آهنگی اصوات،کلمات تورکی را موزون و آهنگدار نموده و به آنها نظم و ترتیب خاص داده است.در تورکی علاوه بر اسامی ذات لغات زیادی برای مفاهیم مجرد وجود دارد.بعلاوه لغات مترادفی با اختلاف جزئی در معنی موجود است که میدان قلمفرسائی را وسیعتر و قلم نویسندہ را تیزتر و دقیقتر میسازد.

افعال تورکی به قدری وسیع و متنوع اند که در کمتر زبانی نظیر آنها را میتوان یافت.گاهی با یک فعل تورکی اندیشه و مفهومی را میتوان بیان نمود که در زبان فارسی و زبانهای دیگر نیاز به جمله و یا جملاتی پیدا می کند.از طرفی وجود پسوندهای سازنده سبب شده که قابلیت لغت سازی برای بیان مفاهیم مختلف و تعبیرات فعلی بسیار زیاد است.

نحو و ترکیب کلام در تورکی با زبانهای هند و اروپائی متفاوت است. در تورکی عنصر اصلی جمله یعنی فعل اصلی در آخر جمله قرار دارد. زبانهای هند و اروپائی عنصر اصلی جمله در ابتدا قرار می گیرد و عناصر بعدی با ادات ربط بشکل حلقه های زنجیر به یکدیگر مربوط میشوند و اگر عناصر بعدی قطع شوند سازمان جمله ناقص میشود، ولی در تورکی ترتیب عناصر جمله کاملا" بر عکس است یعنی ابتدا باید عناصر ثانوی و فرعی تنظیم و گفته شود و قسمت اصلی در آخر قرار گیرد و از همینجاست که هر نویسندہ و یا گویندہ تورک زبان نمایان میشود.

انتشار توسط مجله اینترنتی زیلان :

[wWw.Zilan.IR](http://wWw.Zilan.IR)

[wWw.PersianOK.IR](http://wWw.PersianOK.IR)

[Zilan.IR@Gmail.Com](mailto:Zilan.IR@Gmail.Com)

جای تبلیغات شما اینجا است %

فروشگاه اینترنتی ما مکانی برای خرید هر آنچه که بخواهید ، هر هفته برای خریداران به قید قرعه جایزه داده می شود ، لذا در موقع خرید مشخصات کاملتان را بنویسید.

[wWw.OurShop.Wordpress.Com](http://wWw.OurShop.Wordpress.Com)

